

انگیزه های اصلی نفق

آنان نیست» دل و زبان آنان بایکدیگر مطابقت ندارد).

مرخوم طبرمی در وجه تسمیه چنین کسانی را با کلمه منافق اینگونه اظهار نظر می کند: «منافق بسوی مؤمن با ایمان خارج می شود و بسوی کافر با کفر» و در جای دیگری گوید: «منافق از ایمان بطرف کفر خارج شده است».

نفاق مصدر است و کلمه «نفاق» نیز از همین ریشه است یعنی نقبی است در زیر زمین که راه دیگری برای خروج دارد و بنظر «راغب» در مفردات و «قیومی» در

در شماره قبل گفتیم که منافق کسی است که در باطن کافر و در ظاهر مسلمان است. و در حقیقت آثار کفر را دارد و اعتقادات دینی هرگز در مغز و روح او رسوخ نکرده است و اظهار اسلام در ظاهر برای مصالح شخصی و گول زدن مسلمانان و استفاده از مزایای جامعه مسلمین است از اینرو در قرآن مجید در خصوصیات منافقین چنین می خوانیم: « یقولون یا فواهم مالیس فی قلوبهم » (آل عمران/ ۱۶۷) یعنی «منافقان در زبانشان مطالبی را می گویند که در دلهای

راغب « در ماده «نفاق» ۵۰۲ چنین می گوید: «ومنه النفاق وهو الدخول في الشرع من باب والخروج عنه من باب، وعلى ذلك نبه بقوله: ان المنافقين هم الفاسقون ای الخار جون من الشرع» یعنی نفاق دخول در شرع از یک باب و خروج از آن، از باب دیگری است.

و در قرآن به همین نکته اشاره می کند: «ان المنافقين هم الفاسقون» یعنی «منافقان همان نفاق شوندگان از طریق شرع می باشند».

تا اینجا نظر علماء اهل لغت بود که از نظر خوانندگان گذشت و لکن حاصل نظر علماء علم اخلاق در مورد نفاق اینگونه است که نفاق همان دورویی و دوگانگی ظاهر و باطن و دو چهره بودن هرانسانی است یعنی در مرحله ظاهر، عملی انجام می دهد که ظاهر هستند است ولی در واقع بآن اعتقاد ندارد و تنها برای فریب مردم، آن اعمال را انجام می دهد از اینرو مرحوم نراقی صاحب کتاب جامع السعادات (متوفای سال ۱۲۰۹ هجری) که یکی از بزرگان علم اخلاق بشمار می رود در تعریف نفاق چنین می گوید: «النفاق هو مخالفة السر والعلن» (۲) یعنی «نفاق مخالفت ظاهر و باطن هرانسانی است».

موارد نفاق

البته موارد نفاق مختلف است، گاهی نفاق در مورد اظهار ایمان است در حالیکه

سال بیست و یکم شماره ۲

مصباح تسمیه منافق از ماده «نفاق» بمعنی لقب است که از راهی بدین وارد و از راه دیگری از دین خارج می گردد و بمشابه حیوانی می مانند بنام «یربوع» موش صحرائی خزنده ایست که دو لانه می سازد یکی بنام «ناقاه» که آن را مخفی می دارد و دیگری بنام «قاصعا» که آشکار است، هنگامی که دشمنی در پناهگاه «قاصعا» بآن حمله می کند وارد پناهگاه «ناقاه» شده و از آن خارج میشود.

منافقین نیز درست همان حال موش صحرائی را دارند که راه کفر و اسلام را برای خود ایجاد می کنند و راه آشکار همان اسلام است که بآن تظاهر می کنند و بآن خود را مسلمان جلوه می دهند و از مزایای آن استفاده می کنند و لکن همیشه راه فرار را برای خویش دارند و آن، راه کفر است و آن راه، مخفی است و می توانید از این راه، خویش را از مشکلات عمل و «تعهد با اسلام» خلاص کنند.

از اینرو در قرآن از کلمه «منافق» به، «فاسق» تعبیر شده است: (ان المنافقين هم الفاسقون - توبه ۶۷) یعنی «منافقان همان فاسقان می باشند» (۱) معلوم است که «فسق» در لغت بمعنی خروج است یعنی خروج از دایره عمل به وظایف اسلامی چنانکه در «مفردات

۱- تاموس قرآن ج ۷/ ۹۸

۲- جامع السعادات ۴۲۳

تفریطی قوه غضب بشمارمی رود.

۲- جاه طلبی نیز یکی از انگیزه‌های نفاق و دورویی بشمارمی رود بطوری که تحقق این خواسته نفسانی او را بسوی نفاق و مخالفت ظاهر و باطن و دورویی میکشاند و این نیز از مظاهر قوه غضب است اما از جنبه افراطی.

۳- تحصیل مال و ثروت و ارضاء غرائز جنسی - این انگیزه از مظاهر قوه شهوت بشمارمی رود.

انواع نفاق

با قطع نظر از اینکه ماهیت نفاق همان ماهیت کفر بوده آثار کفر را مثل عذاب و کین اخروی و سایر آثار روحی و اجتماعی آنرا دارد (چنانکه ذکر خواهیم کرد) شدیدترین انواع نفاق از دیدگاه رهبران و پیشوایان اسلام صورتی است که انسان دوچهره نباشد بلکه چهره‌ها! و دو زبانی داشته باشد بلکه زبانهای گوناگون! باین ترتیب که برادر مسلمان خود را در حضورش مدح و تمجید و باو اظهار محبت و خلوص نماید و باو اندرز و پند دهد و لکن در غیابش او را مذمت کرده، سب نماید و نزد ستمگران سعایت نموده و در هتک حرمت و اتلاف مال او کوشش نماید و دائماً بین مقامات و مسئولین بلکه افراد معمولی تردد کند و سعی نماید رابطه آنان را تیره و بینشان ایجاد نفاق و اختلاف نماید نزد یکی برود او را تعریف و نزد دیگری، او را

در واقع ایمان ندارد و گاهی در اظهار طاعت‌ها و گاهی نفاق در معاشرت با مردم است، در جمیع این موارد منافق گاهی قصدش از دورویی، طلب جاه و مقام و ریاست است و گاهی تحصیل مال و ثروت و غیر اینها از مقاصد پلید شیطانی است.

واز اینجا می‌توان گفت که «نفاق» یکنوع «ریا» بشمارمی رود و مرز مشترکی بین آن دو وجود دارد.

* * *

انگیزه های نفاق

از نظر علمای علم اخلاق و بملاحظه اخبار و روایات وارد، انگیزه های نفاق می‌تواند یکی از موارد زیر باشد:

۱- قوس و جبین - بدین ترتیب که فردی بمقتضای امیال نفسانی، بارتکاب گناه و انجام کاری برخلاف شرع و یا برای ارضای غرائز و امیال روحی خویش مایل بانجام عملی است و لکن وضع و شرائط موجود جامعه آزادی عمل را باو نمی‌دهد و او را در این عملش تأیید نمی‌کند بلکه او را مجرم و گناهکار می‌شناسد و او ناچار به نفاق پناه می‌برد که هم در مرحله ظاهر حیثیت و شرف خود را نزد مردم حفظ کند و هم بانگیزه باطنی خود جامعه عمل بپوشاند.

چنانکه مشاهده می‌کنید ریشه نفاق همان ضعف ایمان و عدم تسلط بر نفس خود و عدم خودسازی واقعی است و از مظاهر

تفصیل و بد گوئی نماید و این حالت از تمامی
وسخن چینی نیز بدتر است.

رسول اکرم (ص) فرمود: «من گان
له و جهان فی الدنيا گان له لسانان
من نار یوم القیامه» «کسی که درد دنیا
دارای دو چهره باشد (یعنی منافق باشد) در
روز رستاخیز دوزبان از آتش برای او پیدا
می شود». (۳)

چنانکه ملاحظه می کنید دنیا و آخرت
از نظر پادشاه اعمال و نتیجه کار و در حقیقت
نحوه تجسم اعمال کاملاً بهم دیگر وابستگی
دارند و درست آخرت، آینه واقعیت اعمال
و چگونگی اعمال ما در دنیا می باشد از این
جهت کافر و منافق بلکه هر گناهکاری نباید
تنها بد دنیا و نتیجه اعمال دنیوی خود نگر
کند و باید در مسیر تکاملی خودش دنبال نتیجه
افعال خود در آخرت نیز باشد. (۴)

۳- جامع السادات ج ۲/۲۲۴

۴- نزدیک بمضمون، روایت بالا روایت دیگری نیز از رسول اکرم (ص) نقل شده است،

ما بهجت اختصار از ذکر آن خودداری کردیم بجامع السادات مراجعه کنید.

۵- جامع السادات ج ۲/۲۲۴

بقيه سیری در مطبوعات

رسانه های گروهی مانیز بخوبی نسبت
باین مسئله واقف هستند که ارائه اخبار و
مطالب دروغ و بدور از واقعیات شدیداً
از اعتبار آنها خواهد کاست .

۲ - حوزه عمل و وسعت و قدرت خبر-

این حقیقتی است که خداوند به پیامبران
خود نیز آنرا یادآوری کرده و آنان را از
نفاق و دورویی بر حذر داشته است چنانکه
از رسول اکرم (ص) روایت شده که خداوند
خطاب به حضرت عیسی فرموده: «یا عیسی
لیکن لسانک فی السرو العلانیة لساناً
واحداً و كذلك قلبک، انی احذرك
نفسک لی خبیراً و کفی لی خبیراً! لا
یصلح لسانان فی فهم واحد و لا سیفان فی
غمد واحد و لا قلبان فی صدر واحد» (۵)

یعنی «ای عیسی زبان تو درخفا و
آشکار باید زبان واحدی باشد (یعنی یکرو
ویک رنگ باشی) و هم چنین است قلب تو،
من همانا تو را از نفاق بر حذر می دارم و
آگاهی تو در این زمینه کافی است (زیر ابدان
که) دوزبان در یک دهان نمی گنجد و دو
شمشیر در غلاف واحدی و دو قلب نیز در یک
سینه قرار نمی گیرد».

گزاریه های بین المللی تاحدی است که در
سالهای نزدیک، رقابت در سطح بین المللی
با آنها حتی ذهنی بنظر می رسند و خبرگزاری
مردمی از قدرت عمل چندان در سطح جهانی
برخوردار نیستند ولی هیچ کار غیر ممکن
نیست .

(تلخیص از اطلاعات شماره ۱۶۲۹۷)

سال بیست و یکم شماره ۲